

تحقیقات قضایی درباره مرگ مشکوک چهارمین زن از این پرونده سریالی آغاز شده است



دزنی های اطلاعاتی
جنایی مشهد دستگیر
۳ زن به قتل باشیوه
نتیج اعتراف کرده است
ی و پلیسی درباره مرگ
ن زن نیز ادامه دارد و
ز جنایت های بیشتری

صی روزنامه خراسان،
سال گذشته (۱۴۰۲)
در یکی از بیمارستان
الهی به طرز مشکوکی
ملت مرگ وی عوارض
بیت دارویی گزارش شد
شکوک با پیگیری یکی
س خیرآبادی (متوفی)
ققات قضایی - پلیسی

رونده با دستور قاضی
پیس آگاهی ارسال شد
هی از کار آگاهان زبده
ستقیم سرهنگ ولی
ره قتل عمد آگاهی)
ی را در این باره آغاز

مه خراسان، هنگامی
ی علت مرگ را عوارض

قرص برنج اعلام کرد، این پرونده از حساسیت ویژه‌ای برخوردار شد و فضیله جنایت قوت گرفت. از سوی دیگر زمانی که «مهران -ر» (همسر متوفی) برای انجام تحقیقات به پلیس آگاهی احضار شد، ناگهان رشته‌ای از زخم التیام یافته در زیر گلویش توجه کارآگاهان را به خود جلب کرد. وقتی سرهنگ نجفی درباره

علت زخم رشته ای
پرسید او دلیل آن
را عمل جراحی زیر
گلو عنوان کرد اما
این اظهارات برای
کارآگاه با تجربه
پلیس باور نکردنی
بود به همین دلیل
پرونده پزشکی
و بالینی وی از
مراکز درمانی مورد
استعلام کارآگاهان
قرار گرفت و تحقیقات
میدانی توسط

استوار یکم احسان
شفا علی (۱) فسر
پرونده) به سرخ
هایی از خود کشی
این مرد جوان ۳۰
ساله باقرص برج
رسید که پزشکان
برای نجات وی از
مرگ مجبور شده بودند تا گلولی او را



شیشه حاوی شربت (احتمالاً متادون) را سر کشید تا خودکشی کند اما نیروهای باتجربه پلیس جنایی در یک اقدام هماهنگ و غافلگیرانه در منزل را شکستند و بایک ضربه فنی شیشه مرگ را از دهان او دور کردند.

گزارش اختصاصی خبرنگار روزنامه خراسان حاکی است با انتقال این

متهم ۳۱ ساله به
 مشهد، بازجویی های
 تخصصی از وی زیر
 نظر مستقیم قاضی
 خاکشور آغاز شد تا
 این که وی طی ۳ روز
 گذشته به قتل ۳ زن با
 شیوه خوراندن قرص
 برنج اعتراف کرد. او
 گفت: بیست و نهم
 مهر گذشته به خاطر
 اختلافات خانوادگی و
 سوءظنی که به همسر
 ۳۰ ساله ام داشتم،

مقداری قرص برنج را
درون کیسول قرص
های آنتی بیوتیک
(آزیترومایسین) ریخته
و آن را برای بهبودی
سرماخوردگی به
همسرم خوراند.

وقتی حالش وخیم شد او را به بیمارستان شهید هاشمی نژاد رساندیم ولی او در بیمارستان جان باخت.

این متهم به قتل مخوف، همچنین در ادامه اعترافات خود به قتل «کیمیا خیرآبادی» (خواهر زن ۱۶ ساله) و مرضیه جغراتیان (مادر زن ۵۰ ساله) خودش نیز با همین شیوه اعتراف کرد و این گونه راز قتل‌های سریالی برنجی زنان در مشهد فاش شد.

بنابر گزارش خبرنگار روزنامه خراسان، تحقیقات پلیس در حالی تا تکمید ویژه سردار تقوی برای ریشه یابی جرایم دیگر این متهم خطرناک ادامه دارد که برهه سری های تخصصی نشان می دهد همسر اول وی نیز با شیوه ای مشکوک و حدود ۶ ماهه بعد از ازدواج با این مرد در مرکز درمانی جان باخته است.

در همین حال فرمانده ارشد انتظامی خراسان رضوی با تایید خبر دستگیری عامل قتل های برجی به خبرنگار روزنامه خراسان گفت: منهم، دختری خردسال نیز دارد که هنوز از سر نوشت او خبری در دست نیست اما متهم به قتل های برجی ادعا می کند دخترش را به یک زن سپرده تا او را بزرگ کند که تحقیقات ویژه در این باره نیز ادامه دارد.

سرستپه محمد کاظم تقوی با قدر دانی از دستورهای قاطع قضایی قاضی ویژه قتل عمد و تلاش‌های شبانه‌روزی سرهنگ محمدرضا فداییان (رئیس پلیس آگاهی مشهد) و همچنین گروه عملیاتی کارآگاهان، تصریح کرد: هنوز زوایای پنهان دیگری در این جنایت‌های تکان‌دهنده وجود دارد که بررسی‌های تخصصی برای کشف آنان وارد مرحله جدیدی شده است. در همین حال قاضی شعبه ۳۵۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد با صدور دستور انتشار بدون پوشش تصویر عامل قتل‌های برجی، در صفحه حوادث روزنامه خراسان، از شهروندان خواست چنان‌چه اطلاعاتی در این باره دارند یا افرادی در خانواده آنان هنگام ارتباط با متهم مذکور به طرز مشکوکی از دنیا رفته‌اند، برای بررسی و کنکاش در پلیس به اداره جنایی آگاهی واقع در منطقه رضا شهر مشهد مراجعه کنند یا با تلفن ۲۱۸۲۵۲۹۰ تماس بگیرند. قاضی حوید کاظمی افزود: تحقیقات ویژه و در این پرونده آغاز شده است که با سرعت و دقت مورد بررسی‌های قضایی قرار می‌گیرد.

حالا بعد از گذشت ۵ سال از دواچ پنهانی، در حالی قصد دارم به خاطر خیانت های همسر ام از او جدا شوم که صیغه نامه جعلی دیگری را بهانه ای برای بازگشت من قرار داده است اما مردی که به همسر اولش خیانت کرد و چشم هوس به دوستان من دوخت، دیگر نمی تواند قابل اعتماد باشد چرا که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۳۷ ساله که برای شکایت از همسرش وارد مرکز انتظامی شده بود، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شفای مشهد گفت: پدرم وضعیت مالی خوبی داشت اما من در ازدواج اولم شکست خوردم و به خاطر اعتیاد همسرم به مواد مخدر صنعتی از او طلاق گرفتم.

از آن روز به بعد به خاطر این که استقلال مالی داشته باشم در یکی از مراکز دارویی مشهد مشغول کار شدم و تصمیم گرفتم دیگر هیچ گاه از دواج نکنم. اما یک روز وقتی در یکی از مراکز دولتی کارهای اداری مربوط به شغل مرا انجام می دادم، متوجه نگاه های غیر معمول مردی حدود ۵۰ ساله شدم اما اهمیتی به آن ندادم. با وجود این، آن مرد مرا تعقیب کرد و به نشانی محل کارم دست یافت. طولی نکشید که با پیشنهاد از دواج و جمال روبه رو شدم و پاسخ منفی دادم ولی او دست بردار نبود. صدام به محل کارم می آمد و با خرابی های خاص بر پیشبندش اصرار می کرد. می بینم با اخربه قریب هفت ماهی خرابی ها را خوردم و در حالی که خانواده ام نیز به شدت مخالف این از دواج بودند، به محضر ثبت از دواج رفته و بعد ۵ ساله او درآمد چرا که فکر می کردم آقا کمال مردی باتجربه است و بایدگران فرق دارد!

اوایل روزهای خوبی را در کنار او می گذراندم، با دوستانمان به باغ و تفریح می رفتیم و «جمال» خیلی به من ابراز عشق و علاقه می کرد اما ۲ سال بعد هنگامی که پدرش از دنیا رفت و مخارج مراسم و کفن و دفن به گردن او افتاد، دیگر هیچ پولی هم برای مخارج زندگی به من نداد. حتی در طول ۳ سال گذشته یک شب را هم در واحد آپارتمانی اجاره ای من نماند. او ادعای کرد همسر روز فرزندانش متوجه ماجرای ازدواج می شوند و به همین دلیل من شب ها را در تنهایی و ترس به سر می بردم. در همین روزها من با تسهیلات بانکی یک دستگاه رایید برای خودم خریدم و او که بنگاه معاملات خودرو داشت، مدام از وضعیت بد اقتصادی می نالید. با این حال زمانی که مهمانی های دوستانه بر گزار می کردم، او به جمع دوستان من حاضر می شد. در یکی از همین دوستان همی ها بود که متوجه نگاه های کثیف و هوس آلود او به دوستانم شدم و تازه فهمیدم که «جمال» یک لانه مجردی دیگر هم از چند سال قبل اجاره کرده و با دوستانش به خوشگذرانی می پردازد. او به من هم خیانت می کرد و با این بهانه که مثلاً اوضاع مالی خوبی ندارد، چشم به حساب بانکی ام نیز دوخته بود. زمانی که به ماجرای خیانت های او پی بردم فقط چندماه تا پایان دوره ۵ ساله عقد موقت باقی مانده بود. به همین دلیل به خانه مادر رفتم تا از او جدا شوم اما «جمال» یک سیغه نامه جعلی مدعی است که هنوز ۵ سال دیگر از زمان عقدمان مانده است و من باید به زندگی مشترک با او ادامه دهم. این در حالی است که او همواره بر این ایجاد مزاحمت می کند تا مرا به ادامه این زندگی خیانت بار بازگرداند. ولی کسی که به همسر اولش خیانت کرد و اکنون به من هم خیانت کرده است، دیگر قابل اعتماد نیست اما ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است بررسی های قانونی و اقدامات مشاوره ای در باره شکایت این زن جوان، با دستور ویژه ای از سوی سرگرد اسحاق سبیکار (رئیس کلانتری شفاي مشهد) در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

[illegible]